

غزل شماره ۳۱۳

باز آسای ساقیا که هواخواه خدمتم

مشاقِ بندگی و دعاگویِ دوتم

زان جا که فیضِ جامِ سعادت فروغِ توست

بیرون شدی نمایِ زطلاتِ حیرتم

هر چند غرقِ بحرِ کناهم ز صد بهت

تا آشنایِ عشقِ شدم ز اهلِ رحمت

عیم مکن به رندی و بدنامی ای حکیم
کاین بود سرنوشت ز دیوانِ قسمتم

می خور که عاشقی نه به کسب است و اختیار
این موبت رسید ز میراثِ فطرتم

من کز وطن سفر نگزیدم به عمر خویش
در عشق دیدن تو هواخواه غرتم

دریا و کوه در ره و من خسته و ضعیف
ای خضر پی خسته مددکن به همتم

دورم به صورت از درِ دلتسرایِ تو
لیکن به جان و دل ز مقیمانِ حضرتم

حافظ به پیشِ چشمِ تو خواهد سپرد جان
در این خیالم آر بدهد عمر مهلتم

تفسیر فال

در این اندیشه هستی که همه چیز را از نو آغاز کنی تا بتوانی جبران مافات نمایی. هرچند که در گذشته گناهکار بوده‌ای، اما اکنون با اراده‌ای راسخ به راه توبه قدم گذاشته‌ای و از این لحظه به بعد، رحمت و فضل الهی شامل حال تو خواهد شد. خود را به دستان سرنوشت بسپار؛ چراکه گاهی اوقات، در دل سختی‌ها و چالش‌ها، فرصت‌های جدید برای شکوفایی نهفته است. اگرچه ممکن است احساس خستگی و ضعف کنی، اما با همت بلند و عزم راسخ

می‌توانی دوباره جوان‌دل و پرانرژی شوی و به تمامی اهداف و مقاصد خود دست یابی. مطمئن باش که آنقدر عمر خواهی کرد که به تمام آرزوهایت دسترسی پیدا کنی و زندگی‌ات را سرشار از موفقیت‌ها و پیروزی‌ها ببینی. آرزوهایی که شاید در دل پرورش داده‌ای، روزی حقیقت خواهند یافت؛ پس با ایمان پیش برو.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)